



## « درس نهم: چیستی انسان (1) »

1. دیدگاه افلاطون را درباره حقیقت انسان بنویسید. افلاطون معتقد است انسان علاوه بر بدن دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد و این حقیقت برتر همان نفس است که قابل رویت نیست.

2. از نظر افلاطون با ارزش ترین دارایی انسان و وظیفه اصلی هر فردی چیست؟

از نظر افلاطون نفس با ارزش ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.

3. از دیدگاه افلاطون ، نفس چه ویژگی هایی دارد؟

نفس تنها موجودی است که به طور خاص داری عقل و خرد است / چیزی نامرئی و غیر قابل رویت است /  
نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند / غیر فانی و جاویدان است.

4. مقصود ارسطو از ناطق بودن انسان چیست؟ توضیح دهید

مقصود از ناطق بودن انسان صرفا سخن گفتن او نیست بلکه مقصود اصلی قوه ی تفکر و تعقل است. انسان با قوه تفکر خود استدلال می کند یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می گیرد و استدلال را سامان می دهد گویا در هنگام استدلال با خود نطق می کند و پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق، محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید.

5. ارسطو چه عقیده ای در باره حقیقت انسان و نفس دارد؟ ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت و معتقد بود قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است نه بدن و بدن بدون نفس یک موجود مرده است. از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد نه علم و قدرت نه احساس و نفرت و محبت و نه هیچ چیز دیگر. نفس به تدریج این امور را کسب کرده و به فعلیت می رسد و کامل و کامل تر می شود.

6. در دوره جدید اروپا چه دیدگاه هایی در باره حقیقت انسان شکل گرفت؟ توضیح دهید

الف. معتقدین به وجود نفس: یک جریان همانند افلاطون و ارسطو معتقد به وجود نفس یا روح هستند و برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می دانند (مانند دکارت و کانت)  
ب. معتقدین به انسان تک ساحتی: جریان دیگر اصولا وجود نفس را انکار کرده و انسان را یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی کرده و از آثار و لوازم جسم به شمار می آورند (مانند توماس هابز و مارکس)

7. از نظر دکارت روح یا نفس چه ویژگی ها دارد؟ به نظر او روح یا نفس مرکز اندیشه های انسان است و این روح است که استدلال می کند و می پذیرد یا رد می کند و روح از قوانین فیزیکی آزاد است

8. با توجه به دیدگاه دکارت چه تفاوت هایی میان جسم (بدن) و روح وجود دارد؟

بدن ماشینی پیچیده است که به طو خودکار فعالیت می کند اما این بدن حقیقت انسان را تشکیل نمی دهد و حقیقت انسان روح یا نفس اوست / روح و بدن کاملا از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت هایی متفاوت دارند،

گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند/ روح از قوانین فیزیکی آزاد است اما بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست

**9. کانت چگونه وجود نفس یا روح را اثبات می کند؟** کانت می گوید: انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و این ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. اختیار و اراده نیز ویژگی نفس است که آزاد و نامحدود است نه بدن که یک امر مادی و محدود است.

**10. ماتریالیست ها چه کسانی هستند؟ دو فیلسوف ماتریالیست نام ببرید.** دسته ای از فیلسوفان هستند که می گویند همه موجودات از جمله انسان فقط یک بُعد و یک ساحت دارد که همان بعد جسمانی و مادی است. آنان انسان را یک ماشین مادی بسیار پیچیده می دانند نه چیزی فراتر از آن. / توماس هابز و مارکس

**11. ماتریالیست ها ذهن و روان انسان را به چه چیزی تشبیه می کنند؟** از نظر آنان ذهن و روان چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست. برای مثال توماس هابز ذهن بشر را یک ماشین پیچیده می داند که شبیه یک دستگاه مکانیکی مثل موتور اتومبیل کار می کند.

**12. مارکس چه دیدگاهی در باره حقیقت انسان و نیازهای او دارد؟**

او انسان را فقط یک موجود مادی می داند که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و اخلاق همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

**13. داروینیست ها چه کسانی هستند؟** فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان تبعیت می کنند.

**14. داروینیست ها چه دیدگاه و نظری در باره انسان دارند؟** از نظر آنان انسان چیزی جز یک حیوان راست قامت نیست با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و انسان تفاوت حقیقی با سایر حیوانات به جز پیچیدگی ندارد به همین خاطر نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.

**15. با توجه به دیدگاه داروینیست ها علت توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی چیست؟**

آنان معتقدند به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد بلکه به این دلیل است که انسان ها وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آن ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آن ها کرده تا بتوانند با هم زندگی کنند.

---

### نکات مهم درس

1. در دوره یونان باستان نظر دقیق و روشن در مورد انسان برای اولین بار از جانب افلاطون بیان شد.
2. مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه های سقراط نیز هست و دیدگاه افلاطون تا حد زیادی منعکس کننده دیدگاه سقراط درباره انسان است.
3. از نظر افلاطون حقیقت برتر انسان و با ارزش ترین دارایی او نفس است و وظیفه اصلی هر انسانی مراقبت و توجه به نفس است.

4. نفس از دیدگاه افلاطون دارای عقل و خرد، نامرئی و غیر فانی و جاوید است.
  5. ارسطو معتقد است که نفس دارای قوه نطق و استدلال و قابلیت حیات است. همچنین نفس در هنگام تولد حالت بالقوه دارد و به تدریج کامل شده و به فعلیت می رسد.
  6. مقصود اصلی ارسطو از ناطق بودن انسان قوه تفکر و تعقل و استدلال است.
  7. در دوره جدید اروپا دو دیدگاه در باره حقیقت انسان شکل گرفت . دیدگاه معتقدین به وجود نفس مانند کانت و دکارت و دیدگاه معتقدین به انسان تک ساحتی و مادی گرا مانند ماتریالیست ها و داروینیست ها
  8. از نظر دکارت، « من » انسان همان روح و نفس است که مرکز اندیشه و استدلال انسان است. همچنین وی معتقد است که روح از قوانین فیزیکی آزاد است.
  9. کانت وجود نفس و روح را از طریق اخلاق و وجدان اخلاقی انسان اثبات می کند و می گوید اختیار و اراده مربوط به روح و نفس انسان است.
  10. فیلسوفان عقل گرا عموماً مانند دکارت و کانت به وجود روح و حقیقت روحانی برتر برای انسان اعتقاد دارند.
  11. ماتریالیست ها معتقدند انسان و هر موجود دیگری تنها یک بعد جسمانی و مادی دارد و انسان تنها یک ماشین مادی بسیار پیچیده است.
  12. توماس هابز که از ماتریالیست ها می باشد ذهن و روان انسان را مانند یک ماشین بسیار پیچیده می داند و به موتور اتومبیل تشبیه می کند.
  13. مارکس انسان را یک موجود مادی می داند که نیازهای اصلی او تنها نیازهای مادی است.
  14. داروینیست ها انسان را تنها یک حیوان راست قامت می دانند که تفاوتش با بقیه حیوانات در پیچیدگی اوست و انسان ارزش ویژه ای ندارد.
  15. به عقیده داروینیست ها فضایل اخلاقی در روح و فطرت انسان نیست و توجه انسان به اخلاق به خاطر ناچاری و اجبار برای هم زیستی در اجتماع است.
-